درس 5

1 دعا
رهبر گروه: دعا کنید و اعضای گروه و نیز این درس را که راجع به موعظهٔ ملکوت خدا است، به خداوند بسپارید.

2 در میان گذاشتنِ آموخته‌ها (15 دقیقه)
تثنیه
هر یك به‌نوبت و به‌طور خلاصه برای دیگران تعریف کنید که در خلال یکی از «اوقات خلوتی» که به مطالعه قسمت‌های تعیین‌شده از کتابمقدس مشغول بوده‌اید چه آموخته‌اید (تثنیه 4، 5، 6، 7)، (یا یادداشتهایی را که در اوقات خلوت خود نوشته‌اید، بخوانید).
به کسی که صحبت می‌کند خوب گوش کنید، سخنانش را جدی بگیرید و او را بپذیرید. در مورد آنچه می‌گوید بحث نکنید.

3 به خاطر سپردن (5 دقیقه)
عنوان مجموعه: ملکوت خدا
مرور کنید. ملکوت خدا، 5: پیروزی ملکوت: دانیال 2:44.

4 تعلیم (90 دقیقه)
باغبانان شریر
«مَثَل باغبانان شریر» در متی 21:33-39 مثلی است در بارهٔ «پیام‌آوران ملکوت خدا».
مَثَل «داستانی است زمینی با معنایی آسمانی»؛ یا «توضیحی است مبتنی بر امور واقعی زندگی به‌منظور تعلیم حقیقتی روحانی.» عیسی از وقایع عادی و روزمره زندگی انسان استفاده می‌کرد تا اسرار ملکوت خدا را روشن سازد و مردم را با واقعیت وضعیتشان و نیازشان به احیا روبرو سازد.
این مثل را با استفاده از شش رهنمود مربوط به مطالعهٔ مثل‌ها (ر.ك. ضمیمه 1) بررسی خواهیم کرد.

قرائت: متی 21:33-46، مرقس 12:1-12، لوقا 20:9-19.

1- درك داستان طبیعی مَثَل
مقدمه: مَثَل‌ها با زبان مجازی بیان شده‌اند تا مفهومی روحانی تشریح شود. از این رو، نخست به بررسی واژگان و پیشینهٔ فرهنگی و تاریخی داستان می‌پردازیم.
بحث: چه عناصری در داستان مطابق واقعیات زندگی روزمره‌اند؟
یادداشتها:

الف) «صاحب باغ و باغش». صاحب باغ تاکستانی غرس کرد. هیچ چیز در آن نبود و او می‌بایست همه چیز را خودش بسازد تا پس از آن بتواند انتظار سود داشته باشد. او درخت مُو کاشت، و دور تاکستان دیواری کشید، و چَرخُشتی برای کشیدن آب انگور حفر کرد، و برجی برای دیدبانی ساخت. دیوار برای آن بود که تاکستان را از خطر دزدان و حیوانات محفوظ نگاه دارد. چرخشت معمولاً متشکل از دو چاله در زمین بود که با سنگ پوشیده می‌شد یا بطور کامل در دل یك صخره حفر می‌شد. چالهٔ بالایی بزرگ و کم‌عمق بود. در آن انگورهای رسیده را می‌ریختند و با پا آنها را له می‌کردند (اشعیا 63:2-3). آب انگور از طریق یك لوله یا از بالای دیواره به چالهٔ پایینی می‌ریخت. این چاله عمیق و باریك بود. کارگران بعداً آب انگور را از آن می‌کشیدند و در خمره‌ها می‌ریختند (حجی 2:16). آب انگور در خمره‌ها تخمیر می‌شد و تبدیل به شراب می‌گردید. برج دیدبانی احتمالاً از سنگهایی درست می‌شد که به‌هنگام پاك کردن زمین تاکستان جمع‌آوری می‌کردند (اشعیا 5:2). یك دیدبان را در برج می‌گماردند تا خطر دزدان و شغالها و روباهان را اطلاع دهد (غزل غزلها 2:15). از این برج به‌عنوان انبار نیز استفاده می‌کردند. از این داستان کاملاً روشن است که این مرد نه فقط صاحب باغ بود، بلکه همه چیزها را خودش درست کرده بود.

ب) «باغبانان و توافقشان با صاحب باغ.» صاحب باغ تاکستان خود را به عده‌ای باغبان اجاره داد. همانطور که در مَثَل به‌روشنی مشخص شده، این مستأجران می‌بایست مقداری از محصول را به‌عنوان اجاره به صاحب باغ بدهند (متی 21:34؛ مرقس 12:2؛ لوقا 20:10). تاکستان به باغبانانِ مستأجر تعلق نداشت، بلکه جزو مایملك صاحب باغ باقی می‌ماند!

ج) «غلامان». وقتی زمان خوشه‌چینی رسید، صاحب ملك غلامان خود را نزد باغبانان فرستاد تا سهم خود را از محصول دریافت کند. غلامان از طرف صاحب ملك مأموریت داشتند که سهم مالك را دریافت کرده، برای او ببرند. ایشان از سوی مالك اختیار کافی داشتند و درخواستشان را به نام ارباب خود مطرح می‌کردند، یعنی به‌نام صاحب تاکستان.

د) «داستان از مرزهای منطق فراتر می‌رود». باغبانانِ اجاره‌نشین، شرور و نادرست و بی‌رحم بودند. ایشان به توافق خود عمل نکردند. به‌جای اینکه سهم مالك از محصول را بدهند، با غلامان بدرفتاری کردند. یکی را زدند، دیگری را درجا کشتند، و سومی را تا حد مرگ سنگسار کردند. این رفتار ظالمانه اهانتی بود به مالك؛ ایشان با این کار خود، مالکیت او را به‌حساب نیاوردند! در چارچوب روابط عادی انسانها، انتظار می‌رود که مالك بلافاصله باغبانان شرور را به‌شدت به سزای اعمالشان برساند. اما داستان طور دیگری ادامه می‌یابد. مالك باغبانان ظالم را بلافاصله مجازات نکرد. او بر آن شد تا فرصت دیگری به ایشان بدهد. پس غلامان بیشتری فرستاد. اما ایشان به همان شکل با ایشان رفتار کردند.
سپس داستان به نقطهٔ اوج حیرت‌انگیزی می‌رسد: مالك پسر خودش را نزد باغبانان شرور فرستاد. مرقس 12:6 می‌فرماید: «و بالاخره یك پسر حبیب خود را باقی داشت. او را نزد ایشان فرستاده، گفت: پسر مرا حرمت خواهند داشت.» روشن است که صاحب باغ فقط یك پسر داشت که برایش بسیار عزیز بود. او به‌جز آن پسر، کس دیگری را نداشت که بفرستد. با فرستادن آن پسر نزد باغبانان ظالم، مالك آخرین حرفش را به باغبانان می‌زد! او می‌دانست که آنها شرور و ظالمند، با اینحال یگانه پسر خود را که عزیزش بود فرستاد. گناه باغبانان شرور بسیار غیرمنطقی بود اما محبت مالك نیز کاملاً غیرقابل درك بود! با اینکه باغبانان اینچنین حق مالك را زیر پا گذاشته بودند، او باز فرصت دیگری به ایشان داد. با اینکه باغبانان ظالم خدمتکارانش را کشته بودند، او باز پسر یگانه و محبوبش را نزد ایشان فرستاد. این داستان ممکن است از مرز عقل و منطق فراتر می‌رود، زیرا یك مَثَل است.
کاری که باغبانان ظالم با پسر مالك کردند، نتیجهٔ یك واکنش آنی نبود، بلکه توطئه‌ای عمدی و قتلی طراحی‌شده بود. ایشان فکر می‌کردند که اگر یگانه وارث را به‌قتل برسانند، تاکستان به ایشان خواهد رسید. چه فکر احمقانه‌ای، چون صاحب تاکستان هنوز زنده بود و می‌توانست بیاید و ایشان را شدیداً مجازات کند. این را با مزمور 1:2-4 مقایسه کنید که طبق آن، پادشاهان جهان علیه خدا و مسیح او توطئه می‌کنند، اما خدا از آسمان بر ایشان می‌خندد!

2- بررسی چارچوب آنی مَثَل و تعیین عناصر آن
مقدمه: چارچوب شامل «زمینة» مَثَل و «توضیح یا کاربرد» آن می‌گردد. زمینهٔ مثل ممکن است بیانگر این نکته باشد که مثل به چه مناسبتی گفته شده، یا اینکه شرایط به‌هنگام گفته شدن آن به چه صورت بوده است. زمینه معمولاً قبل از مثل یافت می‌شود و توضیح یا کاربرد، بعد از مثل.
کشف و بحث: زمینه، داستان، و توضیح یا کاربرد مَثَل چیست؟
یادداشتها:

الف) زمینهٔ مثل در متی 21:1-32 آمده و بخشی است از ماجراهای «هفته رنج»، یعنی آخرین هفته پیش از مصلوب شدنِ عیسی مسیح.

1) تطهیر معبد. این هفته از روز یکشنبه آغاز شد، با ورود پیروزمندانهٔ عیسی به اورشلیم با حضور جمعیتی انبوه که فریاد می‌زدند که او «مسیح موعود» است. آنگاه عیسی برای بار دوم معبد مقدس و بزرگ را از وجود تمام کسانی که آن را تبدیل به بازار کرده بودند، پاك نمود (م.ش. با بار نخست در یوحنا 2:13-16). سران کاهنان و فقیهان و مشایخ قوم یهود به خشم آمدند و در صدد کشتن او بر آمدند. اما راهی نمی‌یافتند چونکه مردم به او چسبیده بودند تا سخنانش را بشنوند (مرقس 11:ـ 18؛ لوقا 19:47-48). او تمام نابینایان و افلیجانی را که در آنجا نزدش آمدند، شفا بخشید. کودکان در محوطه معبد فریاد بر آورده بودند که او «پسر داود» است، یعنی همان مسیح موعود. اما سران کاهنان و فقیهان خشمگین بودند و عیسی را شماتت کردند که چرا اجازه می‌دهد مردم چنین لقبی به او بدهند و چرا انکار نمی‌کند که مسیح است.

2) نفرین کردن درخت انجیر. در روز دوشنبه، عیسی گرسنه بود و بطرف درخت انجیری که در فاصله‌ای از مسیر او قرار داشت رفت تا میوه‌ای بچیند. اما جز برگ چیزی بر درخت نیافت. چون میوه‌ای نیافت، آن را نفرین کرد. در روز سه‌شنبه، درخت از ریشه تا به بالا خشکیده بود! عیسی از درخت خشمگین نبود یا منظورش تنبیه آن نبود. این رویداد معنای عمیق‌تری داشت و مَثَل باغبانان ظالم این معنای عمیق‌تر را تشریح می‌کند.

3) مَثَل دو پسر. آن روز، عیسی باز در محوطه معبد به تعلیم مردم و موعظهٔ انجیل پرداخت (لوقا 20:1). سران کاهنان و فقیهان به‌اتفاق مشایخ یهود از او سؤال کردند که به چه اجازه و اختیاری انجیل را درست در معبد تعلیم داده، موعظه می‌کند. از آنجا که ایشان حاضر نشدند اختیار و مرجعیت یحیی تعمیددهنده را بپذیرند، او نیز حاضر نشد بر ایشان آشکار سازد که اجازه و اختیارش از کجاست. آنگاه

مَثَل دو پسر را گفت که بر این واقعیت تأکید داشت که سران قوم اسرائیل یحیی تعمیددهنده را رد کرده بودند.

4) مخالفت رهبران اسرائیل و پیروانشان. به این ترتیب، روشن است که زمینه و چارچوب مَثَل باغبانان ظالم، مخالفت سران کاهنان و فقیهان و مشایخ یهود با عیسی مسیح می‌باشد. ملت اسرائیل به‌وضوح بر سر مسأله عیسی مسیح دچار دودستگی شده بودند: بسیاری از مردم عادی اسرائیل از تعلیم او در حیرت بودند. اما رهبران قوم اسرائیل و پیروانشان نمی‌پذیرفتند که او همان مسیح موعود است ، و معجزات شفای او را کار شیطان می‌پنداشتند، و او را همچون واعظ و معلم انجیل قبول نداشتند. واقعیت این بود که ایشان توطئه قتل او را نیز چیده بودند (یوحنا 11:53)!

ب) داستان مثل در متی 21:33-41 آمده است. به دو نکته باید به‌دقت توجه داشت:

1) «معنای بیرون افکنده شدن از تاکستان». متی و لوقا می‌گویند که پسر مالك نخست از تاکستان بیرون افکنده شد و بعد به قتل رسید، اما مرقس می‌گوید که اول کشته شد و بعد بیرون افکنده شد. میان این دو قرائت تفاوتی اساسی وجود ندارد. متی و لوقا بر ترتیب تاریخی تأکید دارند، یعنی اینکه عیسی را به خارج از دروازهٔ اورشلیم بردند و مصلوب کردند (عبرانیان 13:12). اما مرقس بر این حقیقت تأکید دارد که او را به شرم‌آورترین شکلی کشتند و همچون یك مجرم به بیرون از تاکستان انداختند. هر سه انجیل‌نگار از این اصطلاح همچون نمادی برای رد شدن عیسی مسیح از سوی مقامات قوم اسرائیل استفاده کرده‌اند.

2) «واکنش اولیهٔ شنوندگان». علمای یهود برای آنکه توجه شنوندگان خود را به گفته‌های خود متمرکز نگاه دارند و علاقه‌شان را به موضوع مورد بحث افزایش دهند، اکثراً از ایشان سؤالاتی می‌کردند. وقتی عیسی داستان خود را در مورد باغبانانِ شرور که پسر صاحب ملك را کشته بودند به پایان رساند، از شنوندگان خود سؤالی کرد که واکنشی اولیه را از ایشان می‌طلبید. او پرسید: «پس چون مالك تاکستان آید، به آن دهقانان چه خواهد کرد؟» شنوندگانِ او که متشکل از سران کاهنان و فقیهان و مشایخ یهود بودند، پاسخ دادند: «البته آن بدکاران را به‌سختی هلاك خواهد کرد و باغ را به باغبانان دیگر خواهد سپرد که میوه‌هایش را در موسم بدو دهند.» دشمنان خداوند عیسی مسیح خود را محکوم کردند! زیرا در کاربرد مَثَل، عیسی مسیح آنانی را که لحظه‌ای قبل به او پاسخ درست داده بودند، محکوم کرد.
این ماجرا را با جریان توبیخ داود از سوی ناتان به‌خاطر زنایش در دوم سموئیل 12:1-12 مقایسه کنید: ابتدا مَثَل ناتان (آیات 1-4)، سپس واکنش اولیهٔ داود که خشم بود (آیات 5-6)، و سرانجام توضیح ناتان و نتیجه‌گیری‌یی که همچون پتك بر سر داود آمد: «آن مرد تو هستی!» (آیات 7-12). هنگامی‌که ناتان سخن می‌گفت، داود متوجه نبود که او بطور سربسته در مورد خود او صحبت می‌کند. به‌همان شکل، رهبران اسرائیل و پیروانشان متوجه نبودند که عیسی این مَثَل را در بارهٔ خودِ ایشان می‌زند!

ج) توضیح یا کاربردِ مَثَل در متی 21:42-44 یافت می‌شود. عیسی آنانی را که لحظه‌ای پیش به او پاسخی درست داده بودند، محکوم می‌کند و می‌گوید: «مگر در کتب هرگز نخوانده‌اید که سنگی را که معمارانش رد نمودند، همان سر زاویه شده است. این از جانب خداوند آمد و در نظر ما عجیب است. از این جهت به شما می‌گویم که ملکوت خدا از شما گرفته شده، به امتی که میوه‌اش را بیاورند، عطا خواهد شد.» انجیل لوقا چنین اضافه می‌کند: «هر که بر آن سنگ افتد خرد شود، اما اگر آن بر کسی بیفتد او را نرم خواهد ساخت» (لوقا 20:ـ 18). در عهدعتیق و عهدجدید، «سنگ» به چیزهای مختلف دلالت دارد:

1) «سنگ» در عهدعتیق. در مزمور 118:22-23، «سنگ» معرف خودِ اسرائیل است. رهبران و بزرگان ملت‌هایی که در اطراف اسرائیل بودند، قوم اسرائیل را خوار شمرده و رد کرده بودند. اما اسرائیل در رأس همهٔ ملت‌ها قرار گرفت، در این معنا که خداوند عهد خود را با یعقوب بست و شریعت خود را به بنی اسرائیل عطا فرمود. او این کار را برای هیچ ملت دیگری انجام نداد. سایر ملت‌ها احکام و شریعت خدا را نمی‌دانستند (مزمور 147:19-20).

2) «سنگ» در عهدجدید. عیسی اینك نشان می‌دهد که پیشگویی موجود در مزمور 118:22-23 چگونه در «پسر مالك» یعنی خودِ او، به تحقق کامل می‌رسد! عیسی مسیح خودش اسرائیل حقیقی است! ملت اسرائیل فقط در عیسی مسیح و به‌واسطهٔ او اهمیت دارد. هر که عیسی مسیح را رد کند، دیگر به اسرائیل حقیقی تعلق ندارد؛ و هر که عیسی مسیح را بپذیرد متعلق به اسرائیل حقیقی است! عیسی مسیح خودش آن «سنگی» است که می‌رفت تا از سوی سران کاهنان و فقیهان و مشایخ اسرائیل رد شود. پس از چند روز، این بزرگان مردم اسرائیل را هدایت خواهند کرد که عیسی را مصلوب کنند. بدینسان یوحنا 1:11 بطور کامل تحقق می‌یافت که می‌فرماید: «به نزد خاصان خود آمد، اما خاصانش او را نپذیرفتند!»

«سنگ رد شده» می‌رفت که «سنگ سر زاویه» گردد. عیسی مسیح مصلوب‌شده پیروزمندانه از مردگان بر خواهد خاست و مهم‌ترین شخص در عالم هستی و در تاریخ جهان خواهد شد!

اما بر سر ملت اسرائیل چه خواهد آمد، یعنی بر سر مردمانی از اسرائیل که مسیحی نشده‌اند و «مسیح موعود» را رد کرده‌اند؟ عیسی می‌فرماید که ملکوت خدا از اسرائیل گرفته شده، به مردمانی که ثمرهٔ لازم را بیاورند داده خواهد شد. در اینجا ملکوت خدا به معنای امتیازات خاص ملکوت و برخورداری از مقام خاص «قوم خدا» می‌باشد، امتیازاتی که در عهدعتیق متعلق به قوم اسرائیل بود (ر.ش. رومیان 9:4-5؛ افسسیان 2:11-12). همچنین به معنای کلام و خدمت مبارك رستگاری است که عیسی مسیح در مقام «مسیحای موعود»، در این آغاز دورهٔ عهدجدید، به آن جامهٔ عمل پوشانده و برای اسرائیل به ارمغان آورده است. ملکوت خدا از ملت اسرائیل گرفته خواهد شد، زیرا ایشان مطابق تعهدات و شرایط آن زندگی نکردند. از این زمان به بعد، ملکوت خدا دیگر محدود به مردمانی خاص، یعنی ملت اسرائیل نخواهد بود، بلکه گسترش یافته، شامل مردمان از هر ملت جهان خواهد شد! ملت اسرائیل به‌رهبری مشایخ و علمایشان، همانند آن باغبانان ظالم عمل کرده بودند.

صاحب و مالك همه چیز در جهان، از جمله ملکوت خدا و امتیازاتش، خدای پدر می‌باشد. او پسر یگانه و محبوب خود عیسی مسیح را به این جهان فرستاد، به نزد قوم اسرائیل، اما ایشان نخواستند که آنچه را که به او تعلق داشت، به او بدهند. بنابراین، خدای پدر ملکوت را به مردمانی خواهد داد که میوه‌های ملکوت خدا را تولید کنند. او تمام امتیازات و برکات و فرصت‌های خاص را به ایمانداران از هر ملت جهان خواهد بخشید! به‌جای قوم اسرائیل به‌عنوان «قوم خدا»، ملتی جدید «قوم خدا» خواهد شد. این ملت یا قوم جدید به کلیسای مسیح در سراسر جهان دلالت دارد که متشکل است از یهودیان و غیریهودیانی که به عیسی مسیح ایمان دارند (اول پطرس 2:4-10).

بلافاصله پس از آنکه عیسی کاربرد و نتیجه‌گیری مثل را عنوان کرد، شنوندگانش دومین واکنش خود را نشان دادند (متی 21:45-46). سران کاهنان و فقیهان و مشایخ اسرائیل (متی 21:15ـ 23ـ 45) اکنون دریافته بودند که روی سخن عیسی با ایشان بوده است! ایشان خوب می‌دانستند که خود و پیروانشان عیسی را نپذیرفته‌اند. به‌علاوه، در آیه 43 عیسی با استفاده از ضمیر دوم شخص جمع، توضیح و کاربرد مثل خود را مستقیماً متوجه ایشان ساخت! ایشان گرچه می‌خواستند او را بگیرند و محاکمه‌اش کنند و به قتل برسانند، از مردم عادی می‌ترسیدند. چند روز پیش از آن بود که مردم عادی او را به‌عنوان «پسر داود» در اورشلیم مورد استقبال قرار داده بودند، و کودکان نیز در معبد مقدس او را با همین عنوان ستوده بودند. مسلم است که مردم بطور کلی، عیسی را بخاطر آنچه که بود تکریم نمی‌کردند، یعنی بخاطر اینکه مسیح موعود بود و آمده بود تا زندگی خود را همچون کفارهٔ گناهان فدا کند (اشعیا 53). ایشان او را یك نبی می‌دانستند، بخصوص یك مسیحای سیاسی و یك پادشاه که ملت اسرائیل را از ستم رومیان رهایی می‌داد (لوقا 23:2؛ یوحنا 6:14-15؛ 18:36-37؛ 19:12).

3- تعیین جزئیات مربوط و نامربوط در مثل

مقدمه: قصد عیسی این نبود که تمامی جزئیاتِ مَثَل‌هایش دارای مفهوم روحانی باشند. جزئیاتِ مربوط یا اصلی در داستانِ مثل آن دسته از جزئیات هستند که درس اصلی مثل را استحکام می‌بخشند. بنابراین، نباید برای هر یكَ از جزئیات مثل، معنای روحانی مستقلی قائل شویم.

کشف و بحث: کدامیك از جزئیاتِ این مَثَل واقعاً اصلی یا مربوط می‌باشند؟

یادداشتها:

الف) تاکستان. تصویر «تاکستان» بلافاصله ما را به یاد قوم اسرائیل می‌اندازد. کاملاً روشن است که این مثل بر مزمور 80 و اشعیا 5 بنا شده است. مزمور 80: 8-16 به شرح خروج بنی اسرائیل از مصر می‌پردازد؛ می‌گوید که خدا درخت مُویی را از مصر بیرون آورد و پس از اخراج اقوام بت‌پرست از فلسطین، آن مُو را در آنجا کاشت. این درخت مو رشد کرد و از دریای مدیترانه تا رود فرات گسترش یافت. واضح است که «مو» همان ملت اسرائیل است، خاصه در دورهٔ پادشاهی داود و سلیمان. اشعیا 5:1-7 درست شدنِ یك تاکستان را شرح می‌دهد. تاکستان درست شد و دیواری دورش کشیدند و در آن برجی برای دیدبانی و نیز یك چرخشت ساختند. خدا از این تاکستان انتظار میوهٔ خوب داشت. اما از آنجا که قوم اسرائیل فقط میوهٔ بد آورد، خدا از پیش گفت که دیوارهایش را ویران خواهد ساخت و اجازه خواهد داد که تاکستان پایمال شده، تبدیل به ویرانه گردد. «تاکستان» بروشنی معرف قوم اسرائیل است، خاصه در دورهٔ نبوت اشعیا. بدینسان وقتی بعدها قوم اسرائیل از خدا روی‌گردان شد، خدا اجازه داد که دیوارش را منهدم سازند و انگورهایش را بدزدند و درخت مو را ببُرَند و در آتش بسوزانند. این وقایع زمانی آغاز شد که قوم اسرائیل به سرزمین آشور و بابل به اسارت برده شدند. همین تصویر اسرائیل به‌عنوان درخت مو در اشعیا 27:2-3، ارمیا 2:21، حزقیال 15:1-6 و 19:10-14 و هوشع 10:1-2 نیز یافت می‌شود.

تصویر درخت مو یا «تاك» بطور غایی در عیسی مسیح تحقق می‌یابد. در یوحنا 15:5-6، عیسی می‌فرماید: «من تاك هستم و شما شاخه‌ها. آنکه در من می‌ماند و من در او، میوهٔ بسیار می‌آورد زیرا که جدا از من هیچ نمی‌توانید کرد. اگر کسی در من نماند، مثل شاخه بیرون انداخته می‌شود و می‌خشکد و آنها را جمع کرده، در آتش می‌اندازند و سوخته می‌شود.» (مقایسه کنید با رومیان 11:20-23). عیسی مسیح خودش تاك حقیقی است! قوم اسرائیل فقط در عیسی مسیح و به‌واسطهٔ او مفهوم و اهمیت

دارد! هر که عیسی مسیح را رد کند دیگر به قوم حقیقی اسرائیل تعلق ندارد، و هر که عیسی مسیح را بپذیرد از آن قوم حقیقی اسرائیل خواهد بود (ر.ش. غلاطیان 6:12-16)!

اما در مَثَل باغبانان ظالم، منظور از «تاکستان» وجود فیزیکی یا ملی قوم اسرائیل نیست. منظور از آن، امتیازات و برکات، فرصت‌ها، و جایگاه قوم اسرائیل به‌عنوان قوم برگزیده خدا می‌باشد. این امتیازات به قوم اسرائیل تعلق گرفته بود چون ایشان نسل برگزیده بودند و خدا با ایشان عهد بسته بود (ر.ش. پیدایش 12:3). بخصوص در توضیح و کاربرد مثل (متی 21:43)، عیسی روشن ساخت که در باره قوم خدا در عهد و پیمان قدیم سخن نمی‌گوید، بلکه در بارهٔ «ملکوت خدا». عیسی نفرمود که «قوم اسرائیل» را به اقوام دیگر خواهد داد، بلکه گفت که «ملکوت» را از قوم اسرائیل خواهد گرفت و سایر مردم خواهد داد. منظور او این بود که امتیازات و برکات، فرصت‌ها، و جایگاه قوم اسرائیل به‌عنوان قوم برگزیده خدا را از ایشان خواهد گرفت و به مردم دیگر خواهد داد. وجود فیزیکی و ملی قوم اسرائیل به‌عنوان یك ملت ادامه خواهد داشت، اما این ملت دیگر قوم قابل رؤیت خدا نخواهند بود! وجود فیزیکی یا ملی یا نژادی قوم اسرائیل دیگر قوم خاص خدا نخواهد بود. در رومیان 9:6 آمده که تمام کسانی که از نسل فیزیکی یا ملی قوم اسرائیل هستند، قوم خدا نمی‌باشند. لذا تاکستان جزئی اساسی و مربوط در این مثل می‌باشد.

ب) مالك تاکستان. در سراسر مثل کاملاً روشن است که «تاکستان» (یعنی امتیازات خاص ملکوت خدا) هرگز متعلق به موجودیت فیزیکی قوم اسرائیل نبود، بلکه همواره متعلق به مالك بود که خودِ خدا باشد! این امتیازات ملکوت خدا برای مدتی، یعنی در دوره عهدعتیق، به قوم اسرائیل به امانت داده شد . اینك عیسی مسیح به‌هنگام ظهور اولش در این جهان، این امتیازات را از قوم فیزیکی اسرائیل گرفته، به قوم خدا در عهدجدید خواهد داد، قومی که متشکل است از همه مسیحیان، خواه یهودی باشند خواه غیریهودی (غلاطیان 3:26-29؛ افسسیان 3:4-6). بنابراین، مالك تاکستان جزئی اساسی و مربوط در مثل می‌باشد.

ج) باغبانان ظالم. در توضیح یا کاربرد مثل، عیسی خیلی روشن بیان می‌دارد که امتیازات ملکوت خدا از قوم یهود که نمایندگانشان رهبرانشان بودند (سران کاهنان، فقیهان، و مشایخ اسرائیل) گرفته خواهد شد. «باغبانان ظالم» مظهر رهبران مذهبی و علمای دین و مشایخ اسرائیل و تمام یهودیانی است که پیرو ایشان بودند. لذا باغبانان ظالم مظهر موجودیت فیزیکی قوم اسرائیل به‌صورت یك کل می‌باشند. انجیل‌نگاران، متی و مرقس و لوقا نیز واضحاً می‌گویند که این افراد می‌دانستند که عیسی در بارهٔ ایشان سخن می‌گوید. بنابراین، باغبانان ظالم جزئی اساسی و مربوط در این مثل می‌باشند.

د) باغبانان دیگر که سهم مالك از محصول را در موسم به او می‌دهند. طبق توضیح و کاربردی که خودِ عیسی بیان داشت، «باغبانان دیگر» دلالت دارد بر ملتی که میوهٔ ملکوت را تولید می‌کنند (21:43). ملکوت (یعنی امتیازات خاص و برخورداری از جایگاه "قوم خدا")، از قوم فیزیکی اسرائیل گرفته شده، به ملتی دیگر داده خواهد شد. این ملتِ دیگر ملتی فیزیکی نخواهد بود، بلکه روحانی. از زمان ظهور عیسی مسیح به این سو، مسیحیان از همه ملت‌های جهان همگی تشکیل ملت روحانی خدا را می‌دهند، یعنی «قوم خاص خدا». آنچه که خدا در دورهٔ عهدعتیق در مورد ملت اسرائیل فرموده بود (خروج 19:6)، اینك در دورهٔ عهدجدید در مورد مسیحیان می‌گوید (اول پطرس 2:9-10). «شما قبیلهٔ برگزیده و کهانت ملوکانه و امت مقدس و قومی که مِلك خاص خدا باشد هستید... سابقاً قومی نبودید و الان قوم خدا هستید.» اکثریت مسیحیان اکنون از نسل ملل غیریهود می‌باشند. از زمان ظهور مسیح تا روز بازگشت او، «امت خدا» یا «قوم خدا» از مسیحیانِ متعلق به تمامی ملل جهان تشکیل می‌شود (اعمال 15:14-18؛ رومیان 9:25؛ دوم قرنتیان 6:16؛ غلاطیان 3:26-29؛ افسسیان 2:11-22؛ 3:4-6؛ کولسیان 3:11؛ اول پطرس 2:4-10؛ تیطس 2:14؛ مکاشفه 21:3). نه فرزندان طبیعی اسرائیل، بلکه فقط مسیحیانِ تولدتازه‌یافته که میوهٔ ملکوت را تولید می‌کنند، «فرزندان خدا» یا «قوم خدا» را تشکیل می‌دهند (رومیان 9:6-16 و 24-29؛ متی 3:7-10؛ اعمال 26:17-20). به این ترتیب، باغبانانِ دیگر جزئی اساسی و مربوط در این مثل می‌باشند.

ه) غلامان. در این مثل مشخص نشده که این غلامان یا خادمان چه کسانی هستند، اما روشن است که عیسی به انبیای عهدعتیق اشاره می‌کرده است. ایلیای نبی می‌بایست به‌خاطر نجات جانش از دست ایزابل بگریزد (اول پادشاهان 19:1-3). میکایای نبی را به زندان انداختند و فقط آب و نان به او دادند (اول پادشاهان 22:27). ژوستینِ شهید، یکی از پدران کلیسا، در کتابش به‌نام «گفتگو با تریفو» یهودیان را متهم ساخت به اینکه اشعیای نبی را با اره‌ای چوبی دو نیم کردند (عبرانیان 11:37).

یهودیان مکرراً ارمیای نبی را مورد بدرفتاری قرار دادند. ایشان قصد جانش را کردند (ارمیا 11). خانوادهٔ خودش به او خیانت کردند (ارمیا 12). یهودیان به هیچیك از گفته‌هایش توجهی نداشتند (ارمیا 18). او را زدند و نزد دروازهٔ شهر در کنده گذاشتند (ارمیا 20). همهٔ کاهنان و انبیای دروغین و مقامات بدکار و خودِ پادشاه می‌خواستند محکوم به قتلش سازند زیرا حقیقت را می‌گفت (ارمیا 26). او را دستگیر کردند و زدند و به سیاهچال انداختند و مدتی طولانی در آنجا نگاهش داشتند (ارمیا 37). حتی او

را به چاهی پر از گِل انداختند (ارمیا 38). طبق احادیث قدیمی مسیحیت، یهودیانی که ارمیا را با خود بزور به مصر برده بودند، سرانجام او را سنگسار کردند (ارمیا 43).
حزقیال نبی از سوی یهودیان که همچون خار و بسان عقرب بودند، مورد اذیت و آزار قرار گرفت (حزقیال 2:6). او پی برد که قوم عهد خدا در عهدعتیق سخنانش را می‌شنوند اما آنها را به‌عمل نمی‌آورند (حزقیال 20:49؛ 33:31-32). به عاموس نبی نیز گفته شد که بگریزد و پیام خود را در جای دیگری اعلام نماید (عاموس 7:10-15).
عیسی رفتار اسرائیلیان با انبیای خداوند را خلاصه‌وار بیان فرمود. در متی 5:11-12 او می‌فرماید: «خوشحال باشید چون شما را فحش گویند و جفا رسانند و بخاطر من هر سخن بدی بر شما کاذبانه گویند... زیرا که به‌همینطور بر انبیای قبل از شما جفا می‌رسانیدند.» در لوقا 6:22-23 نیز می‌فرماید: «خوشابحال شما وقتی که مردم بخاطر پسر انسان از شما نفرت گیرند و شما را از خود جدا سازند و دشنام دهند و نام شما را مثل شریر بیرون کنند... زیرا که به‌همینطور پدران ایشان با انبیا سلوك نمودند.» و در متی 23:29-32، 37 می‌فرماید: «وای بر شما ای کاتبان و فریسیان ریاکار!... بر خود شهادت می‌دهید که فرزندان قاتلان انبیا هستید... ای اورشلیم، اورشلیم، قاتل انبیا و سنگسارکنندهٔ مرسلان خود.» (همچنین ر.ش. لوقا 11:47-51؛ 13:33-35؛ یوحنا 12:36-43). لذا غلامانِ مالك جزئی اساسی و مربوط در این مثل می‌باشند.

و) پسر یگانه و وارث. عیسی در توضیح و کاربردی که برای مثل بیان داشت، مشخص کرد که پسر یگانه و محبوبِ مالك کسی جز خودش نیست، یعنی عیسی مسیح. او سنگی است که معماران اسرائیل رد کردند، با اینحال مهم‌ترین سنگ زاویه گردید! در آیات ذیل اشاراتی به سنگ زاویه می‌یابیم: مزمور 118:22-23؛ اشعیا 28:16؛ متی 21:42؛ اعمال 4:11؛ رومیان 9:33؛ افسسیان 2:20؛ و اول پطرس 2:6. سنگ زاویهٔ بنا بخشی از بنیاد و پی ساختمان بود و عمارت بر آن قرار می‌گرفت. اما این سنگ چیزی بیش از سنگی در بنیاد ساختمان بود: آن سنگ زاویه بود، سنگی که شکل پایانی عمارت را تعیین می‌کرد. این سنگ در گوشه‌ای که محل تلاقی دو دیوار اولیه بود قرار می‌گرفت و بدینسان شکل تمام عمارت را تعیین می‌کرد. سایر سنگهای ساختمان می‌بایست با این سنگ زاویه هماهنگ شوند. رابطه عیسی مسیح با کلیسا همانند آن سنگ زاویه است. او به‌واسطهٔ قیام پرشکوهش، و صعود و نشستن بر تخت سلطنت در آسمان، بی‌نهایت سرافراز و رفیع گردیده است. او از آسمان و به‌واسطهٔ روح‌القدس در قلب مؤمنین ساکن می‌شود و زندگی‌شان را هدایت می‌کند، و بر تمامی عالم هستی در جهت منافع کلیسا فرمان می‌رانَد (ر.ش. افسسیان 1:22). لوقا 20:ـ 18 می‌فرماید: «هر که بر آن سنگ افتد خرد شود، اما اگر آن بر کسی بیفتد او را نرم خواهد ساخت.» کسانی که از عیسی و کلامش لغزش می‌خورند، گمراه می‌شوند، و در روز داوری نهایی خُرد خواهند شد. لوقا 2:34 می‌فرماید: «اینك این طفل قرار داده شد برای افتادن و برخاستن بسیاری از آل اسرائیل.» همه (از جمله یهودیان) که عیسی مسیح را رد می‌کنند، برای ابد از دست خواهند رفت؛ و همه یهودیانی که به عیسی ایمان بیاورند، نجات ابدی خواهند یافت. روشن است که پسر یگانه و محبوبِ مالك جزئی اساسی و مربوط در این مثل می‌باشد.

4- تشخیص پیام اصلی مثل
مقدمه: پیام اصلی مثل را می‌توان یا در توضیح یا کاربرد مثل یافت، یا از خودِ داستان. از روشی که خودِ عیسی برای توضیح یا کاربرد مثل به‌کار برد، می‌توانیم پی ببریم که مثل را چگونه باید تفسیر کنیم. هر مثل معمولاً فقط یك داستان اصلی یا یك نکتهٔ اصلی دارد. بنابراین، نباید در پی این باشیم که یك حقیقت روحانی از هر یك از جزئیات مثل بیابیم، بلکه باید به‌دنبال درس اصلی مثل باشیم.
بحث: پیام اصلی این مثل چیست؟
یادداشتها:
مثل باغبانان ظالم در متی 21:33-39 مثلی است در بارهٔ «پیام‌آوران ملکوت خدا» و واکنش قوم فیزیکی اسرائیل به آنان.
پیام اصلی مثل این است: «با وجود گناه غیرمنطقی قوم فیزیکی اسرائیل نسبت به محبت غیرقابل درك خدا که در پسر محبوبش عیسی مسیح تجلی یافته، عیسی مسیح بر دشمنانش پیروز خواهد شد و ملکوت را که در مزمور 118:22-23 پیشگویی شده، برقرار خواهد ساخت.» با وجود مخالفت‌های عظیم و رد شدن پیام‌آوران خدا، قصد خدا برای برقراری ملکوتش بر زمین نه می‌تواند شکست بخورد و نه شکست خواهد خورد!
«واکنش در مقابل پیام‌آوران خدا» یکی از خصوصیات بنیادین ملکوت خداست. شهروندان واقعی ملکوت خدا، مستعد و قابل تعلیم هستند. ایشان پیام‌آوران خدا را می‌پذیرند، پیام‌آورانی نظیر واعظان و معلمینی که در سراسر دورهٔ عهدجدید کتاب‌مقدس را به‌درستی تفسیر می‌کنند و پیام آن را با امانت به مردم اعلام می‌دارند. مهم‌تر از همه، این شهروندانْ عیسی مسیح را به‌عنوان نجات‌دهنده و پادشاه در قلب و زندگی خود می‌پذیرند!
«باغبانان ظالم» که حاضر نشدند سهم مالك را از محصول بدهند و با غلامان او بدرفتاری کردند و پسر یگانهٔ او را کشتند، همان قوم فیزیکی اسرائیل است که نمایندگانشان رهبران بی‌ایمان و پیروانشان بودند. ایشان با رد کردن مسیح موعود، باعث نابودی خودشان شدند، یعنی قوم فیزیکی اسرائیل دیگر قوم قابل رؤیت خدا بر روی زمین نبودند. خدا «تاکستان» (یعنی ملکوت، امتیاز رسیدن به مقام قوم خدا)

را به ملت اسرائیل داده بود، اما ایشان انبیای خدا را آزار دادند و به قتل رساندند و می‌رفتند که مسیح موعود، یعنی عیسی مسیح را نیز بکشند. بنابراین، خدا «تاکستان» را به مردمان دیگر خواهد داد که میوه‌اش را تولید کنند. نمی‌توان گفت که هیچ یهودی در میان «این مردمان دیگر» نخواهد بود، همانطور که نمی‌توان گفت که همهٔ غیریهودیان در میان ایشان خواهند بود. این قوم جدید متشکل از تمام مسیحیان است، چه از میان قوم فیزیکی اسرائیل و چه سایر اقوام فیزیکی غیریهود در جهان. در اینجا باید دو نکته را مورد توجه قرار داد: نخست، خدا قلب تمام کسانی را که متعلق به قوم فیزیکی اسرائیل هستند سخت نساخته است. مطابق فصل‌های 9 تا 11 رومیان، خدا از قوم اسرائیل، «باقی‌ماندگانی» برای خود نگاه داشته است. اینان به انجیل گوش فرا خواهند داد و نجات خواهند یافت (رومیان 10:17-18؛ 9:27). تمام یهودیانی که از بی‌ایمانی خود دست بکشند، قطعاً بخشی از «درخت زیتون» خواهند بود. «درخت زیتون» نماد «قوم خدا» است که از یهودیان و غیریهودیان تشکیل شده است (رومیان 11:23). دوم، اگر خدا یهودیانِ بی‌ایمان را رد کرد، قطعاً غیریهودیان بی‌ایمان را نیز رد خواهد کرد. از اینرو، هیچیك از غیریهودیان نباید به یهودیان فخر بفروشد یا ایشان را مورد آزار و اذیت قرار دهد! بلکه باید برای بازگشت ایشان دعا کنند و انجیل را به آنان اعلام نمایند، همانگونه که باید برای بازگشت مردمان غیریهودی دعا کنند و انجیل را به آنان اعلام نمایند. فقط خداست که حق و قدرت دارد که چه یهودیان و چه غیریهودیان را داوری کند یا نجات بخشد! نه عهدعتیق و نه عهدجدید هیچیك به «نژادپرستی» توجه ندارند، بلکه به «قوم خدا»، خواه فقط از ملت اسرائیل باشند یا از تمام ملت‌های جهان، از جمله ملت اسرائیل!

5- مقایسهٔ مَثَل با قسمتهای مشابه و متضاد در کتابمقدس

مقدمه: بعضی از مثل‌ها مشابه یکدیگرند و قابل مقایسه می‌باشند. اما حقیقت موجود در تمام مثل‌ها با حقیقتی که در سایر قسمت‌های کتابمقدس تعلیم داده شده، یا دارای تشابه است یا تضاد. سعی کنید مهم‌ترین قسمت‌های قابل مقایسه را که ما را در تفسیر مثل یاری می‌دهند، بیابید. همیشه تفسیر مثل را با تعلیم مستقیم و واضح کتابمقدس محك بزنید.

قرائت: 1) متی 21: 18-19؛ 2) متی 21: 28-32؛ 3) متی 1:22-14.

کشف و بحث: تعلیم موجود در این قسمت‌ها را چگونه می‌توان با تعلیم موجود در مثلِ «باغبانان ظالم» مقایسه کرد؟

یادداشتها:

1) نفرین کردن درخت انجیر. عیسی درست پیش از بیان مثل باغبانان ظالم، در راه گرسنه شد و بسوی درخت انجیری رفت تا میوه‌ای بیابد. بر آن درخت جز برگ چیزی نیافت. چون میوه‌ای بر آن نیافت، نفرینش کرد. روز بعد، درخت از ریشه تا بالا خشکیده بود! عیسی نسبت به درخت خشمگین نبود. این رویداد معنای بسیار عمیق‌تری داشت و مثل باغبانان ظالم این معنای عمیق‌تر را توضیح می‌دهد. درخت انجیر برگ زیادی داشت بدون هیچ میوه. مطابق لوقا 13:6-9، این «درخت انجیر» مظهر ملت بسیار برکت‌یافتهٔ اسرائیل بود. ملت اسرائیل مانند درخت انجیر مدعی بود که مردمی بسیار مذهبی و مقدس هستند، زیرا قربانی‌های بسیاری به معبد مقدس می‌آوردند. اما در واقعیت امر، ملت اسرائیل معبد را تبدیل به محل تجارت و کسب کرده بودند و در آن به خرید و فروش حیوانات برای قربانی کردن می‌پرداختند. رهبرانشان نیز توطئه قتل عیسی را می‌چیدند، یعنی همان کسی که جدا از او قربانی‌های معبد مطلقاً معنایی نداشت. ملت اسرائیل سرگرم فعالیت‌های مذهبی بود، اما در این کارشان هیچ صفا و صمیمیت و حقیقتی نبود. عیسی با نفرین درخت انجیر که روز بعد خشك شد، سقوط ملت بی‌ثمر اسرائیل را پیشگویی کرد. عیسی یهودیان را بخاطر یهودی‌بودنشان رد نکرد، اما پیشگویی کرد که بجای ملت فیزیکی اسرائیل می‌رفت تا ملکوت خدا را برقرار سازد، ملکوتی که متشکل بود هم از یهودیان و هم از غیریهودیان. ملکوت خدا می‌بایست از ایماندارانی تشکیل شود که متعلق به ملت یهود و ملل غیریهود بودند، و ایشان فقط بجای برگ، میوه نیز خواهند آورد (متی 8: 11-12؛ اول پطرس 2:4-10)!

2) مثل دو پسر. میان مثل دو پسر و مثل باغبانان ظالم شباهت‌ها و تفاوت‌هایی هست. شباهتشان این است که در هر دو مثل به تاکستان اشاره شده و در هر دو عیسی رهبران مذهبی یهود و پیروانشان را مد نظر دارد و محکومشان می‌کند. تفاوتشان این است که مثل دوم طولانی‌تر است و جزئیات بیشتری دارد. گرچه هر دو یك درس اصلی دارند که بروشنی در متی 21:40-43 عنوان شده، مثل دوم خیلی بیشتر از مثل اول به استعاره نزدیك می‌شود. مثل اول بر رد شدن یحیی تعمیددهنده از سوی رهبران اسرائیل تأکید می‌کند، و مثل دوم بر رد شدن عیسی مسیح از سوی تمام قوم اسرائیل. به همین جهت است که ملکوت خدا از ایشان گرفته شده، به مردم دیگر داده خواهد شد.

3) مثل جشن عروسی. میان مثل باغبانان ظالم و مثل جشن عروسی شباهت‌ها و تفاوت‌هایی هست. شباهتشان این است که هر دو مثل بیانگر شکیبایی خدا و توجه او به یهودیانِ ناسپاس می‌باشد. تفاوتشان این است که مثلِ نخست بر رد شدن یهودیان بی‌ایمان و دعوت ایمانداران غیریهودی تأکید دارد. مثل دوم بر مجازات سخت آنانی تأکید دارد که به رابطه‌شان با خدا بی‌اعتنایند و بدون جامهٔ مناسب به جشن عروسی می‌روند.

6- خلاصهٔ تعالیم اصلی مثل

بحث: تعالیم یا پیامهای اصلی مثل چیست؟ عیسی می‌خواهد چه چیزی را بدانیم یا به آن ایمان بیاوریم؛ او می‌خواهد که ما چه باشیم یا چه بکنیم؟
یادداشتها:

الف) پیام اصلی. مثل باغبانان ظالم در متی 21:33-39 مثلی است در بارهٔ «پیام‌آوران ملکوت خدا» و واکنش قوم فیزیکی اسرائیل به ایشان.
پیام اصلی آن اینچنین است: «با وجود گناه غیرمنطقی قوم فیزیکی اسرائیل نسبت به محبت غیرقابل درك خدا که در پسر محبوبش عیسی مسیح تجلی یافته، عیسی مسیح بر دشمنانش پیروز خواهد شد و ملکوت را که در مزمور 118:22-23 پیشگویی شده، برقرار خواهد ساخت.» با وجود مخالفت‌های عظیم و رد شدن پیام‌آوران خدا، قصد خدا برای برقراری ملکوتش بر زمین نه می‌تواند شکست بخورد و نه شکست خواهد خورد! امتیازات و برکات ملکوت خدا به مردمانی داده می‌شود که میوهٔ ملکوت را در میان هر ملتی در جهان تولید می‌کنند.

ب) ملت اسرائیل و کلیسای مسیح. وقتی عیسی مسیح به این جهان آمد، قوم فیزیکی اسرائیل به‌عنوان قوم خدا در عهد قدیم او را رد کردند. به همین سبب، باعث محکومیت خود شدند و خدا آنان را رد کردند تا دیگر قوم او نباشند (متی 8:ـ 11-12). از آن زمان به این سو، همه کسانی که به عیسی مسیح ایمان آورند، چه یهودی و چه غیریهودی، قوم خدا در عهدی نوین می‌گردند (دوم قرنتیان 6:16؛ غلاطیان 3:26-28؛ افسسیان 2:11-22؛ کولسیان 3:11-12؛ اول پطرس 2:9-10؛ اول یوحنا 3:4-10). ایشان کلیسای مسیح را در سراسر جهان تشکیل می‌دهند. تمامی امتیازات و برکات ملکوت خدا به ایشان تعلق دارد!

ج) معنای تولید میوه برای ملکوت. در متی 3:7-12، وقتی یحیی تعمیددهنده پیام ملکوت خدا را موعظه می‌کرد، گفت: «ثمرهٔ شایستهٔ توبه بیاورید... هر درختی که ثمره نیکو نیاورد، بریده و در آتش افکنده شود.» فقط آنانی که روح‌القدس را در درون خود دارند، مانند گندم در انبار ذخیره می‌شوند. بقیه مانند کاه در آتشی خاموشی‌ناپذیر سوخته خواهند شد. ثمر آوردن یا تولید میوه به کارهای نیکی که افراد با قدرت خود می‌کنند اشاره نمی‌کند، بلکه به کارهای نیکی که افراد می‌کنند چون روح‌القدس قدرت آن را به ایشان می‌دهد (غلاطیان 5:22-23).

5 دعا (8 دقیقه)
دعای واکنشی
در واکنش به آنچه که امروز آموختید، به‌نوبت دعاهایی کوتاه به‌حضور خدا بکنید.
یا گروه را به دسته‌های دو نفری یا سه نفری تقسیم کنید تا در واکنش به آنچه که امروز آموختید، به حضور خدا دعا کنید.

6 تکلیف (2 دقیقه)
برای جلسه بعد
(رهبر: این تکلیف را به‌صورت نوشته به اعضای گروه بدهید یا بخواهید که آن را در دفتر یادداشتشان رونویسی کنند).
- تعهد: نسبت به شاگردسازی و بنای کلیسا و موعظهٔ ملکوت احساس تعهد کنید.
برای یك فرد یا یك گروه، مثل «باغبانان ظالم» را موعظه کنید، یا تعلیم دهید یا بررسی نمایید.
- اوقات خلوت: هر روز به اندازهٔ نصف فصل از تثنیه 8 و 9 و 10 و 11 بخوانید. از روش حقیقت دلخواه استفاده کنید. یادداشت بردارید.
- به خاطر سپردن: هر روز مجموعهٔ «ملکوت خدا»، دروس 1 تا 5 را مرور کنید.
- دعا: در این هفته برای یك شخص یا یك چیز مشخص دعا کنید و ببنید که خدا چه می‌کند (مزمور 5:3).
- آمادگی: مطالعهٔ کتابمقدس از رومیان 2:1-16. از روش «پنج گام» استفاده کنید.
- پوشهٔ مربوط به «موعظهٔ ملکوت خدا» را تکمیل کنید.